

بازآفرینی ساختار فضایی محلات سنتی با رویکرد احیای استخوان‌بندی آنها مطالعه‌ی موردی: محله‌ی حکم‌آباد تبریز^۱

اکبر عبدالله زاده طرف^۲

سمیرا سروی^۳

چکیده

بیان مسأله: محلات و بافت‌های قدیمی به عنوان کانون اولیه‌ی زیست ساکنان شهرها نقش تأثیرگذاری در حیات شهروندان داشته‌اند؛ و وجود یک یا چند مرکز محله در ساختار فضایی آن باعث می‌شد هویت کالبدی محله نمود بیش‌تری پیدا کند. با ورود مدرنیسم این محلات فرصت انطباق با شرایط موجود را نداشته و در اثر خیابان‌کشی‌های صورت گرفته، بافت منسجم خود را به مرور زمان از دست داده‌اند و کارکرد مراکز محلات در معرض تخریب قرار گرفته و تبدیل به محیطی کم‌رونق برای ساکنین خود شده؛ که این امر باعث کم‌رنگ‌تر شدن فعالیت‌های اجتماعی موجود در محله شده است.

اهداف پژوهش: ارائه راهبرد بازآفرینی ساختار فضایی وضع موجود محله حکم‌آباد جهت ایجاد یک فضای شهری سرزنده.

روش پژوهش: روش پژوهش به صورت توصیفی-تحلیلی بوده و راهبرد پژوهش، نمونه‌ی موردی می‌باشد. در ابتدا به منظور شناخت ساختار کلی محله علاوه بر مطالعه‌ی پیشینه‌ی محله و بررسی اسناد کتابخانه‌ای به مطالعه و بررسی نقشه‌ها و عکس‌های هوایی و برداشت‌های میدانی پرداخته شد. عکس‌های هوایی مورد استفاده مربوط به سالهای ۱۳۳۶، ۱۳۴۵، ۱۳۵۲، ۱۳۶۴ و تصاویر ماهواره‌ای برگرفته از نرم‌افزار earth google بود. سپس استخوان‌بندی محله و عناصر اصلی آن شامل میدان‌های چهارگانه مورد شناسایی قرار گرفت و در ادامه با توجه به مسایل مبتلابه هر یک از عناصر اصلی، راهنمای بازآفرینی مراکز محله و معیارهای آن تبیین شد و در گام آخر پژوهش، مدل بازآفرینی محدوده مبتنی بر اهداف انجام گرفت.

یافته‌ها: بازآفرینی مرکز محله حکم‌آباد از طریق شناسایی دقیق کالبد محله و خلق فضاهای نو در لابه‌لای ساختار سنتی با اتکاء به ضرورت‌ها و نیازهای زمانه و جایگاه گذشته‌ی محلات می‌تواند سبب حفظ نظام اجتماعی، اقتصادی و سازمان فضایی محله شده و سبب انتظام بخشی ساختار فضایی و کالبدی محله متناسب با شرایط و ویژگی‌های کالبدی و فضایی مختص آن شود.

نتیجه‌گیری: ایجاد تغییرات در ساختار کالبدی-فضایی و کارکردی در مراکز محله حکم‌آباد به صورت یک ضرورت احساس می‌شود چرا که تقویت هویت کالبدی و احیای سرزندگی درون محله و انسجام بخشی به ساختار کلی محله بدون باززنده‌سازی مراکز این محله و گذر اصلی آن محقق نمی‌شود.

واژگان کلیدی: بازآفرینی، ساختار فضایی، مرکز محله، استخوان‌بندی محله، محله حکم‌آباد تبریز

^۱. پژوهش حاضر برگرفته از پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد نویسنده در رشته‌ی طراحی شهری، دانشگاه آزاد اسلامی تبریز، با عنوان «بازآفرینی ساختار فضایی محلات سنتی با رویکرد احیای استخوان‌بندی بافت قدیمی- نمونه موردی محله حکم‌آباد تبریز» به راهنمایی دکتر اکبر عبدالله زاده طرف می‌باشد.

^۲. استادیار گروه شهرسازی، دانشکده معماری و هنر، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز. (نویسنده مسئول)

^۳. کارشناسی ارشد، گروه آموزشی شهرسازی، دانشکده معماری و هنر، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز.

مقدمه

از دیرباز محله‌های شهری در شکل‌دهی و سازماندهی امور شهری جایگاه ویژه‌ای داشته‌اند. به طوری که مفهوم زندگی اجتماعی را باید در اصل تجمع اجتماعی در مرکز محله جست‌وجو نمود، مرکزیتی که با وجود ابعاد فرهنگی، اجتماعی و کالبدی‌اش توانسته باشد بسیاری از نیازهای اجتماعی و روانی ساکنین خود را پاسخگو باشد (ابراهیمی و احمدی باروق، ۱۳۹۴). شالوده‌ی وجودی محلات را مراکز محله تشکیل می‌دهند (شعیه، ۱۳۹۰: ۱۷۰)؛ مکان‌هایی که مردم در آنها به معاشرت و خرید و فروش پرداخته و تاثیر خود را بر سرزندگی و پویایی محله‌ها و حضور فعال و پرشور افراد در فضاهای شهری می‌گذارند. در اصل، محلات و بافت‌های قدیمی به عنوان کانون زیست ساکنان شهر نقش تاثیرگذاری در حیات شهروندان داشته‌اند و یادآور خاطرات ارزشمند ساکنان خود می‌باشند که نقش مهم و تأثیرگذاری در هویت شهر و ساکنان ایفا می‌کنند؛ اما با ورود مدرنیسم این محلات دچار تغییرات زیادی شدند؛ و چون به خاطر ساختار سنتی و قدیمی خود توان و فرصت انطباق با شرایط جدید را نداشتند به مرور فرسوده شده و کارایی خود را از دست داده‌اند (بیات، ۱۳۹۱: ۱۶). امروزه وجود معضلات و مشکلات در بافت‌های فرسوده و قدیمی، موضوع احیای بافت‌های تاریخی و باززنده‌سازی محلات قدیمی را به یک موضوع حائز اهمیت تبدیل نموده است. از این رو احیای محلات قدیمی و ایجاد هم‌پیوندی مناسب میان آنها و مناطق جدید شهری به عنوان ضرورتی جهت پویایی، سرزندگی و هویت بخشی به این محلات احساس می‌شود.

اقدامات مربوط به مرمت شهری در چارچوب بازآفرینی شهری از اواخر دهه‌ی ۱۹۷۰ و اوایل دهه‌ی ۸۰ میلادی به عنوان یکی از سیاست‌های اصلی دولت‌های غربی در مواجهه با مسائل و مشکلات مناطق نابسامان و ناکارآمد شهری مورد توجه قرار گرفته است (ایزدی و فیضی، ۱۳۸۹: ۷۴).

در ایران با ورود اندیشه‌ی مدرنیته و تجلی ابعاد مختلف آن در آراء اندیشمندان و مسئولان علوم شهری، باعث ظهور کالبدی این جنبش در شهرهای اصلی و بزرگ کشور شده و ایجاد تغییرات وسیع مورفولوژیک را در ساختار شهرها به همراه داشت. تجلی مدرنیته حوزه‌های مختلف از اقتصاد کشور تا بافت فیزیکی شهرها را در بر گرفت. بارزترین جلوه آن را در خیابان‌کشی‌های «هاسمان-گونه‌ی» دوران پهلوی می‌توان دید (قربانیان، ۱۳۸۹: ۷۸)؛ در تبریز همگام با تغییر و تحولات رخ داده در ساختار بافت‌های شهری در دوره‌ی اول پهلوی اول خیابان‌کشی‌ها باعث گسست بافت‌های شهری به‌ویژه محلات سنتی شده‌است و تداوم این خیابان‌کشی‌ها در دوره‌های بعدی و تشدید آن بر اساس نقشه‌ی طرح و گذربندی ۱۳۵۸ تبریز موجب شده تا با تعریض معبر اصلی محله‌ی حکم‌آباد که در حال حاضر با نام خیابان شهید رنجبر شناخته شده، بافت و استخوان‌بندی اصلی محله در گذر زمان متلاشی شود، عوامل موثر در خصوص این فروپاشی به شرح ذیل می‌باشند:

۱. از یک طرف به دلیل تعریض خیابان بهار و رقابت این خیابان با ساختار اصلی محله‌ی حکم‌آباد و به دنبال آن ایجاد خیابان عریض آذربایجان و فروپاشی یکپارچگی محدوده به دو حوزه‌ی کلی شرقی و غربی؛ ۲. تعریض ساختار اصلی محله (خیابان شهید رنجبر فعلی) به سمت باغات محله و از بین رفتن مراکز محله و در ادامه تعریض قسمت بعدی خیابان از سمت محدوده میدان سبزی به سمت باغات باعث ایجاد گذری به محله شده و تا حدودی حجاب محله را از بین برده است؛ ۳. از بین رفتن باغات به عنوان یک ظرفیت اکولوژیکی-اقتصادی باعث فروپاشی بیش‌تر آن شد؛ ۴. در نهایت با قرار گرفتن محله در یک چرخه‌ی مسأله‌افزایی، ساکنان قدیمی محله را ترک کرده و ساکنان جدید جایگزین آنها شده‌اند و بدین صورت در کنار از هم گسستگی کالبدی، ساختار اجتماعی محله نیز به شدت تضعیف شده است (سروی و عبدالله زاده طرف، ۱۳۹۷:). با روند حاکم بر این تغییرات در سال‌های اخیر با کاهش حس تعلق نسبت به محله و پدیده‌ی مهاجرت اهالی بومی به سایر محلات تبریز هستیم. همچنین در حال حاضر محله به دلیل فقدان یک استخوان‌بندی که بتواند علاوه بر تسهیل امور مربوط به کارکرد محله، عهده‌دار وظایف اجتماعی باشد دچار مسأله شده است. بنابراین لازم است با ارائه‌ی اقداماتی به بازآفرینی ساختار فضایی محله پرداخت تا از آن طریق زندگی اجتماعی آن را تقویت کرد. لذا این تحقیق به دنبال پاسخ به این پرسش است که چه اقداماتی با هدف ایجاد یک فضای شهری «سرزنده» جهت بازآفرینی ساختار فضایی وضع موجود محله‌ی حکم‌آباد لازم است؟



پرسش‌های پژوهش:

پرسش اصلی پژوهش:

چگونه با احیاء استخوانبندی اصلی محله حکم‌آباد می‌توان به بازآفرینی این محله دست یافت؟

پرسش‌های فرعی:

- ساختار فضایی محله‌ی حکم‌آباد در گذر زمان چگونه تغییر یافته است؟

- در حال حاضر چه بخش یا بخش‌هایی از این ساختار فضایی می‌تواند با انجام بازآفرینی به ایجاد یک فضای شهری سرزنده منجر شود؟

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

بازآفرینی شهری و ابعاد مورد مداخله در آن

واژه‌ی «بازآفرینی شهری» به عنوان یک واژه‌ی عام مفاهیم دیگری نظیر بهسازی، نوسازی، بازسازی، توانمندسازی و روانبخشی را در برمی‌گیرد، به کار می‌رود (حبیبی و مقصودی، ۱۳۹۰: ۵/ عندلیب، ۱۳۸۹: ۸۷). بازآفرینی شهری عبارت است از دید جامع و یکپارچه و مجموعه اقداماتی که به حل مسائل شهری بیانجامد، به طوری که بهبود دائمی در شرایط اقتصادی، کالبدی، اجتماعی و زیست محیطی بافتی که دستخوش تغییر شده را به وجود آورد (دفتر مقررات ملی و کنترل ساختمان، ۱۳۹۷: ۳۴). بازآفرینی را می‌توان اصلی‌ترین رویکرد «مرمت و بهسازی و نوسازی شهری» در دوران معاصر تلقی نمود. توجه به ابعاد و اصول بازآفرینی شهری و به گواه رویدادهای سال‌های اخیر، چند راهبرد اصلی را در دستور کار خود داشته است؛ ایوانز و شاو به نقل از آیت (۱۳۸۶) در ارتباط با زمینه‌های بازآفرینی و ابعاد آن، بازآفرینی اقتصادی، کالبدی، اجتماعی را بیان می‌کند (پوراحمد و دیگران، ۱۳۸۹: ۸۳). بحرینی و دیگران نیز در ارتباط با رویکردهای مختلف بازآفرینی در دوره‌ی معاصر زمینه‌ی زیست محیطی را نیز بیان کرده و به ۵ بعد از ابعاد بازآفرینی اشاره کرده‌اند که به ترتیب عبارتند از: ۱. بازآفرینی فرهنگ مینا، ۲. بازآفرینی حفاظت مینا، ۳. بازآفرینی سیما محور، ۴. بازآفرینی رویداد محور، ۵. بازآفرینی اجتماع محور (بحرینی و دیگران، ۱۳۹۳: ۲۰). در کل تدوین معیارهای بازآفرینی و رویکردهای راهبردی آن نیازمند استخراج ویژگی‌ها و معیارهای مشابه است، بنابراین به منظور پیشبرد پژوهش سعی شده است طبق شش بعد طراحی شهری متیو کرمونا (۱۳۸۸)، یعنی ابعاد «ریخت‌شناسی، ادراکی، اجتماعی، عملکردی، بصری و زمانی»، ابعاد بازآفرینی شهری را با آنها تطبیق داده و در نهایت به ابعاد بازآفرینی و چارچوب نظری پژوهش دست یافت.

محله و ابعاد آن

اندیشمندان و نظریه‌پردازان هر کدام متناسب با زمینه‌ی کاری و پژوهشی خود مفهوم محله را تبیین کرده‌اند (عبداللهی و دیگران، ۱۳۸۸: ۹۱)؛ به عنوان مثال بارتون در ارتباط با تعریف محله و معیارهای تعریف‌کننده‌ی آن بیان می‌دارد که محله به عنوان سلول حیات زندگی شهری می‌باشد (Barton, 2003: 16-17). هم‌چنین «سوزان کلر» چهار تعریف غالب محله را این‌گونه توضیح داده است: ۱. محله به عنوان محیطی دارای موقعیت اکولوژیکی خاص در میان محیطی بزرگتر؛ ۲. محله به عنوان نماد اجتماعی؛ ۳. محله به عنوان محیطی با نقش کارکردی ویژه؛ ۴. محله به عنوان محیطی با جو خاص (لنگ، ۱۳۸۳: ۲۰۰). عبداللهی و دیگران (۱۳۸۸) بر اساس پیشینه‌ی پژوهشی مرتبط با تعریف محله ۵ بعد اصلی را در تعریف محله موثر می‌دانند که به ترتیب عبارت‌اند از ۱. کالبدی، ۲. اجتماعی، ۳. عملکردی، ۴. ادراکی، ۵. زیست‌پذیری. در نهایت بنا به بررسی‌های انجام گرفته در قالب نظریه‌ها و تجربیات موجود در مقیاس جهانی اصول و معیارهای متعددی برای تعریف محله‌ها مطرح و مورد تجزیه قرار گرفته‌اند که جدول ۱ به این تعاریف در ارتباط با ابعاد کالبدی، اجتماعی، عملکردی، ادراکی پرداخت می‌شود.

جدول ۱: تعریف محله بر اساس ابعاد کالبدی، اجتماعی، عملکردی و ادراکی

ابعاد مورد نظر	تشریح تعریف
تعریف محله با تاکید بر ابعاد کالبدی	«کلر» محله را به عنوان «مکانی با مرزهای کالبدی و نمادین تعریف می‌کند» (Keller, 1986: 89). موریس و هس آن را به عنوان «مکان و افرادی با حس مشترک، به طوری که در فضای آن بتوان به آسانی قدم زد» تعریف می‌کنند. «گلاب» محله را «هویت جغرافیایی و کالبدی با مرزهای (ذهنی) معین و مشخص» می‌داند (عبداللهی و دیگران، ۱۳۸۸: ۹۴). از منظر کوین لینچ محله قسمت نسبتاً بزرگی از شهر است که واجد خصوصیات یک‌دست و مشابه باشد و ناظر عملاً بتواند به آن وارد شود؛ اجزاء هر محله به دلیل خصوصیات مشترکی که دارند شناختنی هستند، این خصوصیات در سراسر محله ادامه می‌یابند و در هر کجا که محله پایان می‌یابد، قطع می‌شوند (لینچ، ۱۳۸۵: ۱۹۰-۱۸۹).
تعریف محله با تاکید بر ابعاد اجتماعی	محله بخشی از سازمان فضایی شهر است که در آن روابط افراد به صورت چهره به چهره است و می‌تواند با توجه به عواملی از جمله مناسبات اداری و تعیین محدوده‌های معین محیط زیست قابل زندگی، برداشتهای اجتماعی ساکنان از محیط محله و ابعاد عملکردی و ارائه‌ی خدمات مورد نیاز ساکنان تعریف شود (Barton, 2003: 16-17)؛ محله مکانی برای اجتماعی شدن است و کمک‌های متقابل را حمایت می‌کند. محیط مصنوع و سازمان اجتماعی آن می‌تواند خانوادگی و بسیار نزدیک به هم شود و این محیط می‌تواند هویت و تعلق خاطر را تقویت کند (عبداللهی و دیگران، ۱۳۸۸ به نقل از Kearns, Parkinson, 2001, 203-2010).
تعریف محله با تاکید بر ابعاد عملکردی	از منظر عملکردی، محله عبارت است از فضایی که در آن بخش مهمی از فعالیت‌های شغلی و معیشتی شهروندان به وقوع می‌پیوندد؛ محله فضایی است که از طریق آن افراد می‌توانند توانایی برای فعالیت اولیه را به وسیله‌ی تعامل موثر فردی و جمعی در درون آن و از ورای آن به اجرا در آورند (Lebel & Pampalon, 2007, Atkinson & Kintera, 2001). محله‌ها زیرتقسیماتی از شهر هستند که ترکیبی متعادل از فعالیت‌ها را در خود جای می‌دهند، یک نظریه‌ی مهم در راستای تعریف عملکردی محله عبارت است از «توسعه‌ی واحدهای همسایگی سنتی» که نخستین بار به وسیله آندره دوانی و الیزابت پلاتر زیرگ مطرح شد. آنها به محله‌هایی فشرده با کاربری مختلط و اولویت عابر پیاده و مناطقی با موقعیت مناسب و کریدورهای کارکردی و زیبا که می‌توانند محیط‌های طبیعی و انسان‌ساخت را در قالب کلیتی پایدار و ماندنی انسجام بخشند، معتقدند (لطیفی و صفری چابک، ۱۳۹۲: ۶).
تعریف محله با تاکید بر ابعاد ادراکی	«میلتون کتler» محله را مبتنی بر روش‌های ذهنی تعریف کرده و معتقد است معقول‌ترین راه برای تعریف محله این است که از ساکنان آن پرسش شود که محله کجاست؛ این برآورد شامل جایی است که محله، مرزهای واضح‌تری از قبیل بزرگراه‌ها، خیابان‌های اصلی، رودخانه‌ها و فضاهایی از قبیل پارک، مراکز تجاری، مدرسه و مراکز اجتماعی را شامل می‌شود (Williams, 1985, 31-33). در چارچوب ادراکی آگاهی و تشخیص ساکنان در مکان کالبدی، به عنوان نقطه‌ی شروع در تعریف محله تلقی می‌شود (Pampalon & Label, 2007).

ساختار فضایی، استخوان‌بندی محله و عناصر تشکیل دهنده‌ی محلات سنتی

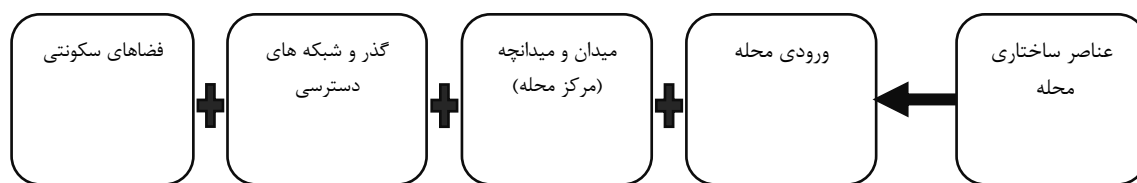
ساختار فضایی: ترکیب‌بندی یا چیدمان، تداوم و نظم هم‌پیوندی بین عناصر است که یک اندام انتظام‌یافته را تشکیل می‌دهند. یک محور مجهز شهری یک ساختار یا اندام انتظام‌یافته و یا یک عنصر در سازمان فضایی شهر یا [محله] است؛ الگوی شهر متشکل از تنوع و تعدد ساختارها است. هر شهر از سازماندهی فضایی خاص خود برخوردار است که در داخل آن عناصر یا اندام‌ها و ساختارهای گوناگونی وجود دارد. در عین حال یک ساختار در داخل خود یک سازمان فضایی دارد، شبکه‌های زیر بنایی شهر و [محله] هر کدام یک ساختار به شما می‌روند و در مجموع شبکه‌های زیرساختی شهر را تشکیل می‌دهند (مانند ساختار شبکه‌ی معابر) (ذکاو، ۱۳۹۰: ۱۱۳).

استخوان‌بندی محله و عناصر تشکیل دهنده‌ی محلات سنتی

استخوان‌بندی در مقیاس‌های مختلف شامل اجزا و عناصر مختلفی است، استخوان‌بندی شهر مجموعه‌ای است مرکب از شبکه‌ای به هم پیوسته از کاربری‌ها و عناصر مختلف و متنوع شهری که شهر را در کلیت آن انسجام می‌بخشد؛ این مجموعه، شالوده‌ی سازمان فضایی - کالبدی شهر و اجزای داخلی آن بوده و مبین خصوصیات کلی شهر است و سایر ساختمان‌ها در شهر، همانند پرکننده‌ها، بینابین بخش‌های اصلی این شبکه را می‌پوشانند (حبیبی، ۱۳۷۶: ۱). محله‌ها ساخت و بافت اصلی شهر را تشکیل می‌دهند و از گذشته تاکنون به عنوان یکی از مشخصه‌ها و اجزای اصلی ساختار شهر محسوب می‌شده‌اند (لینچ، ۱۳۸۵: ۸۳). سازمان و استخوان‌بندی محله نیز می‌تواند یکی از محورهای کلیدی در تعریف محله باشند «وجود و تداوم محور اصلی محله همراه با گذرهای پیاده، شبکه‌ای از مراکز فرعی محله و وحدت شکلی آن را باید چارچوب و استخوان‌بندی اصلی محله دانست» (حبیبی، ۱۳۸۱: ۳۵). عناصر اصلی استخوان‌بندی محله که همان شبکه‌ی نمادین محله را تشکیل می‌دهند، ابزارهای هویت دهنده و نقاط عطفی در سطح محله هستند که با سازمان فضایی خاص خود در ایجاد خاطره‌ی ذهنی از محله و خوانایی آن به کار می‌آیند (لینچ، ۱۳۸۵: ۴۸). روند تغییر بافت محلات از عهد باستان تا دوران معاصر وجود داشته اما در هر دوره ای محله دارای عناصر ساختاری مشخصی بوده که آن را شکل می‌داده است، این عناصر ساختاری



شامل ورودی محله، میدان و میدانچه (مرکز محله)، گذرها و شبکه‌های دسترسی محلی، و فضاهای سکونتی می‌باشد (مضطرزاده و حجتی، ۱۳۹۲).



شکل (۱). عناصر تشکیل‌دهنده ساختار محله (مضطرزاده و حجتی، ۱۳۹۲).

جدول ۲: عناصر تشکیل‌دهنده ساختار محلات و ویژگی‌های آنها. (مضطرزاده و حجتی، ۱۳۹۲).

ویژگی‌ها	عناصر ساختاری
<ul style="list-style-type: none"> - معرف هویت و شخصیت مجموعه است. - منحصر به فرد بوده و از طرحی کاملاً وابسته به زمین دو طرفش (محله و شهر برخوردار است). - مفصلی است بین زندگی نیمه عمومی همسایگی و زندگی شهر. - علاوه بر منحصر به فرد بودن می‌بایست غریب‌گز باشد. 	ورودی محله
<ul style="list-style-type: none"> - بعضی کوچه‌ها دارای بیش‌ترین فراوانی در سطح شهر هستند. - در گذشته گذر یا راسته محله نامیده می‌شدند. - به عنوان ستون فقرات محلات هستند. - محل تردد ساکنان محله بوده و بستری برای تعاملات اجتماعی را فراهم می‌آورده است. - توقعات نسبت به خیابان محلی شامل آرامش، خودمانی بودن و ایمنی می‌باشد. 	شبکه‌های دسترسی
<ul style="list-style-type: none"> - محل تجمع فعالیت‌های تجاری یا خدماتی است که به صورت روزانه یا هفتگی مورد استفاده ساکنین محله است. - محل تمرکز جامعه‌ای کوچک و منسجم است که تماس‌های اجتماعی بین همسایگان و ایجاد حس شهری و محله‌ای را ترغیب می‌کند. - به عنوان قلب و هسته اصلی محلات عملکرد داشته است و محل استقرار دکانهای محلی و سایر خدمات مثل آب انبارها برای تامین نیاز روزمره و یا هفتگی می‌باشد. 	میدان و میدانچه (مرکز محله)
<ul style="list-style-type: none"> - خانه اساس تشکیل محلات است؛ از در کنار هم قرار گرفتن خانه‌ها مجموعه‌های مسکونی و در نهایت محلات شکل می‌گرفتند. - مقدار و اندازه‌های عناصر شهری و مسکونی از محله‌ای به محله‌ای دیگر متفاوت است. 	فضاهای مسکونی

بازآفرینی ساختار محور

در کل تدوین معیارهای بازآفرینی و رویکردهای راهبردی آن نیازمند استخراج ویژگی‌ها و معیارهای مشابه است تا به عنوان ثابت‌هایی برای تدوین مدل پیشنهادی در نظر گرفته شود، با توجه به موضوع پژوهش که احیای استخوان بندی بافت است؛ لذا بازآفرینی مورد نظر برای پژوهش «بازآفرینی ساختار محور» می‌باشد که پس از بررسی نظریه‌های اندیشمندان و حوزه‌های مرتبط با موضوع و استخراج هنجارهای کیفی مطرح شده در خصوص بازآفرینی محلات سنتی به نظر می‌رسد بازآفرینی در بافت‌های قدیمی بهتر است در ابعاد کالبدی-بصری، عملکردی، اجتماعی و ادراکی بررسی شود تا بتوان به هدف اصلی پژوهش دست یافت؛ به همین خاطر بررسی اصول مرتبط با هر کدام از ابعاد در ارتباط با موضوع پژوهش مورد بررسی قرار گرفته است.

جدول ۳: اصول مرتبط با بازآفرینی در ارتباط با هریک از ابعاد کالبدی، عملکردی، ادراکی و اجتماعی

ابعاد مورد نظر	توضیح	اصول کلی مرتبط
بازآفرینی ساختار محور با تأکید بر مولفه‌های کالبدی - بصری محیط	اینگونه اقدامات بر این عقیده استوارند که برخورداری از تعریف فضایی و فرم کالبدی مطلوب، شرط لازم برای خلق فضاهایی می‌باشد که می‌توانند به عنوان ظرف و بستر مناسب برای جذب فعالیت‌ها و کاربران متنوع عمل کنند (Montgomery, 2003: 293). بنابراین عامل اصلی تجدید حیات بافت نیز می‌باشد. بازآفرینی کالبدی مطلوب باید نه بر جایگزین کردن، بلکه به ساختن بر مبنای زیرساخت‌های موجود تأکید نموده و از این طریق با تضمین بقا و ماندگاری ارزش‌ها و جاذبه‌های محیطی بافت قدیم، مشاغل و ساکنان را به محله‌ی شهر جذب نماید (Jefferson City Council Report, 2011: 15). در واقع در این دیدگاه تأکید بر حفظ، احیا و به روزرسانی ارزش‌های فضایی، کالبدی، بصری و زیبایی‌شناسانه بافت‌های شهری قدیمی برای حیات و مطلوبیت بخشیدن به آنهاست و اصلی‌ترین ابزار برای دستیابی به این هدف تأمین ارتباط متعادل میان توده و فضا می‌باشد (حیبی و مقصودی، ۱۳۹۰: ۱۷۰).	۱- نگرش به محله به عنوان یک کلیت منسجم و متشکل از اجزاء (الکساندر و دیگران، ۱۳۷۳: ۱۳). ۲- سازگاری و هماهنگی اقدامات جدید صورت گرفته با ساختارها و ارزش‌های فضایی، کالبدی موجود بافت شهری (توسلی، ۱۳۷۲: ۲۰). ۳- وحدت بصری و انسجام بخشیدن به بافت و منظر شهری با استفاده از ضوابط ساخت و الگوهای معماری بومی و سنتی (Soltani, 2012: 1340). ۴- رعایت حدی از هماهنگی و تشابه در ساماندهی بافت محله (توسلی، ۱۳۷۲: ۲۰). ۵- استفاده هدفمند از تأکیدهای کالبدی- بصری در جهت تشخیص و تمایز بخشیدن به عناصر عملکردی و معنایی با اهمیت (جیکوبز، ۱۳۸۶: ۴۱۵).
بازآفرینی ساختار محور با تأکید بر مولفه‌های عملکردی محیط	این دیدگاه احیا و نوسازی‌های کالبدی را برای تجدید حیات بافت‌های کهن شهری کافی ندانسته، بازآفرینی عملکردی و بهره‌برداری تجاری- اقتصادی فعال از بناها و فضاهای کهن را شرط لازم تضمین تنوع فعالیت، جذب کاربران، خلق تصاویر عینی و ذهنی مطلوب‌تر و از نو زنده ساختن محلات کهن می‌داند (استاد غفاری، ۱۳۹۵: ۳۶) تجدید حیات اقتصادی و عملکردی محلات کهن به کمک احیای ساختارهای فعالیت، با ایجاد خودکفایی نسبی در تأمین خدمات نه تنها نقش موثری در پایداری و جلوگیری از اتلاف در صرف زمان، هزینه و انرژی دارد. بلکه به توزیع غیرمتمرکز و عادلانه خدمات در شهر نیز کمک بسزایی نموده، احساس غرور و رضایت‌مندی ساکنان و ارائه تصویری بهتر از محله خواهد داشت (استاد غفاری، ۱۳۹۵: ۳۶).	۱- ایجاد کاربری‌های جدید با توجه به پتانسیل‌های هم‌خوان با بستر مورد مداخله (حناچی و دیگران، ۱۳۸۶: ۱۱۰) ۲- ایجاد کاربری‌های متنوع و فعال (جیکوبز، ۱۳۸۶: ۴۱۱) ۳- توجه به انعطاف‌پذیری فضا و تأکید بر فعالیت‌های انسانی (تیبالدز، ۱۳۸۵: ۶۲) ۴- ایجاد کاربری‌های فعال در شب برای تأمین سرزندگی و حیات بافت (حناچی و دیگران، ۱۳۸۶: ۱۱۳) ۵- اختصاص دادن یا تخصیص کاربری‌های همگانی و فعالیت‌های اصلی به بناهای شاخص و با اهمیت (توسلی، ۱۳۷۲: ۴۲، بنتلی و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۱۴-۱۱۵).
بازآفرینی ساختار محور با تأکید بر مولفه ادراکی - معنایی و اجتماعی - فرهنگی محیط	این دیدگاه محیط‌های شهری را ورای ساختارهای کالبدی و عملکردی، واجد حیات انسانی و اجتماعی می‌داند. با تأکید بر ارزش‌های اجتماعی- فرهنگی و کیفیت‌های انسانی و ادراکی- معنایی بافت‌های کهن شهری، احیاء و تأمین دوام و استمرار آنها را شرط لازم برای بازآفرینی موفق و مطلوب محلات شهری بر می‌شمرد (فلامکی، ۱۳۷۵: ۷۰، Neto & Serrano, 2011: 7). در واقع این رویکرد یک رویکرد کل‌گرایانه است که در مقابل دو رویکرد قبلی، دید جامع‌تری نسبت به محیط شهری داشته و علاوه بر کالبد و عملکرد محیط، محتوایی معنایی و اجتماعی آن را نیز مورد تأکید قرار می‌دهد (استاد غفاری، ۱۳۹۵: ۳۷) اینگونه بازآفرینی شهری به موضوعاتی مثل هویت، تعلق و دلبستگی به مکان، نیازها و ادراک‌های انسانی، خلق زندگی جمعی مطلوب، تقویت تعاملات اجتماعی و پیوندهای عاطفی شهروندان با یکدیگر و با محیط تأکید داشته و معتقد است تنها از این طریق می‌توان به سرزندگی، پویایی و جذابیت محیط‌های شهری طی فرایندهای بازآفرینی دست یافت. در ادامه به برخی از راهکارهای بازآفرینی محلات و بافت‌های کهن شهری با تأکید بر قابلیت‌های اجتماعی- فرهنگی و ارزش‌های ادراکی- معنایی ویژه اشاره می‌شود.	۱- تأکید بر رویت‌پذیری گذشته و تداوم یادها و خاطرات جمعی و فردی در فضای شهری (Unhabitat, 2004-2005: 35) ۲- تأکید بر نیازهای جسمی و روحی برای تقویت احساس تعلق و تملک عاطفی نسبت به محیط (فلامکی، ۱۳۷۵: ۷۰، نقل شده در استاد غفاری، ۱۳۹۵) ۳- ایجاد هویت منحصر به فرد با تقویت ارزش‌ها و پتانسیل‌های بالفعل موجود در محل (لطفی، ۱۳۹۰: ۵۲-۵۳). ۴- عرصه عمومی به عنوان مکان واجد بار معنایی و احساس ناشی از حضور و تعامل انسانها (پاکزاد، ۱۳۹۰: ۵۲۱-۵۲۰) ۵- تقویت تعاملات اجتماعی و حیات خاطره‌ای جهت تقویت احساس دلبستگی و تعلق عاطفی به محله (فلامکی، ۱۳۷۵: ۱۹۹۵) ۶- حمایت از شکل‌گیری مراسمات آیینی و سنتی، رویدادهای جمعی و فعالیت‌های فرهنگی- هنری (لطفی، ۱۳۹۰: ۲/۵۳، Ciftci et al 2010) ۷- تشویق مردم به حضور و تعامل چهره به چهره با یکدیگر جهت بهبود زندگی جمعی (Ciftci et al, 2010: 2).



چارچوب نظری پژوهش

بر اساس پیشینه‌ی پژوهشی مرتبط با ساخت اصلی محله، ساختار محله شامل عناصری مانند (ورودی، مرکز محله، گذرها، و فضاهای سکوتی) می‌باشد و این ساختار هر کدام در ارتباط با لایه‌های فرمی بازآفرینی (کالبدی - بصری، عملکردی، ادراکی - معنایی و اجتماعی) قابل تعریف است. با توجه مساله‌ی اصلی پژوهش که بیشتر معطوف به ساختار میدان‌های محلی و گذرهای اصلی محله است لذا در قسمت تدوین چارچوب به معیارهای بازآفرینی هر کدام از ابعاد و راهنمای بازآفرینی میدان و گذر متناسب با ابعاد مذکور پرداخته شده‌است.

جدول ۴: تدوین چارچوب نظری پژوهش

فضاهای سکوتی	گذر و شبکه‌های دسترسی	میدان و میدانچه (مرکز محله)	ورودی محله	عناصر اصلی ساخت اصلی محله
اجتماعی	ادراکی - معنایی	عملکردی	کالبدی - بصری	لایه‌های فرمی ساخت اصلی محله در ارتباط با ابعاد بازآفرینی
<ul style="list-style-type: none"> - سرزندگی - امنیت - حضورپذیری - تعاملات اجتماعی - شمول گرایی - نظارت اجتماعی - فعالیت ها و رفتارها 	<ul style="list-style-type: none"> - هویت و اصالت - خاطرات جمعی - نقش‌انگیزی - غنای حسی - وضوح و تشخیص - حس تعلق و دلبستگی به مکان 	<ul style="list-style-type: none"> - تنوع (گوناگونی) - اختلاط کاربری - انعطاف پذیری - حرکت و دسترسی - ایمنی - کاربری‌های جاذب جمعیت 	<ul style="list-style-type: none"> - پیوستگی و تداوم کالبدی - مقیاس و تناسبات - سازمان کالبدی . فضایی - درجه محصوریت - نفوذپذیری - تناسبات بصری - غنای بصری - سربال و ویژن 	معیارهای مرتبط با ابعاد باز آفرینی
گذر		میدان		راهنمای بازآفرینی عناصر ساخت اصلی (میدان و گذر) در ارتباط با هریک از ابعاد
- راهها و گذرهای اصلی به عنوان عنصر مهم استخوان‌بندی محله به شمار می‌آیند که مهم‌ترین عامل در پیوند تعاملی میان عناصر محله به شمار می‌آید.		- میدان محلی به عنوان عرصه‌ی عمومی به صورت فضاهایی به هم پیوسته، منسجم، محصور و واجد نظم کالبدی و کیفیت‌های زیبایی‌شناسانه در ساختار بخشیدن کل محله		
- به عنوان بخش اصلی محله که به آن یک ساماندهی کلی می‌بخشد و تمام عناصر دیگر در ارتباط با آن شکل می‌گیرند - گذر اصلی محله به عنوان شبکه‌ای پیوسته از مسیرهای حرکت پیاده در مقیاس‌های محلی به همراه فضاهای عمومی همپیوند با آن		- استفاده‌ی هدفمند از تاکیده‌های بصری در طراحی میدان - فضاهای تقویت‌کننده مکث در امتداد ساختارهای حرکتی - فضاهای محصور مرکزی با ساختار کالبدی یکپارچه - استفاده از فرم‌های ارگانیک به عنوان فرم‌های آشنا در محیط‌های محله		

<p>- گذر اصلی محله به عنوان ستون فقرات تشکیل‌دهنده آن دربرگیرنده‌ی عملکردهای ویژه مانند مسجد، گرمابه، بازارچه، حسینیه</p> <p>- مجموعه‌ای مرتبط و به هم پیوسته از فضاهای عمومی که عناصر اصلی و فعالیت‌های اصلی را در برمی‌گیرند</p> <p>- کاهش سرعت گذر به محدوده‌ی سرعت ۳۰</p>	<p>- تنوع و اختلاط کاربری‌ها در اطراف میدان محلی به آن ساختار می‌بخشد.</p> <p>- تجدید حیات میدان به کمک عملکرد مناسب از طریق تاکید بر کاربری‌های فعال در شب و فعالیت‌های انسانی در اطراف میدان محلی</p> <p>- اختصاص کاربری‌های مهم و همگانی به بناها و فضاهای اصلی و شاخص و انعطاف‌پذیر کردن فضای میدان</p>	<p>عملکردی</p>	
<p>- تقویت فضاهای هویت بخش و مهم در طول مسیرهای اصلی محله</p> <p>- تقویت حیات خاطره‌ای جهت تقویت احساس دلبستگی و تعلق عاطفی به محله از طریق احیای فضاهای قدیمی و نقاط کلیدی موجود در گذر اصلی (گرمابه‌ها، بازارچه و ..)</p>	<p>- تاکید بر هویت منحصر به فرد موجود در عناصر تعریف‌کننده میدان به جهت احیاء بافت قدیمی محله</p> <p>- بهره‌مندی از معنا و پیوندهای حسی و عاطفی مردم با فضا</p> <p>- پیوند دادن فضاها با الگوی رویدادها و تجربه‌های انسانی جهت احیای خاطرات جمعی</p> <p>- تعریف محدوده‌های فضایی و ایجاد تباين‌های فضایی بین میدان و گذر</p>	<p>ادراکی - معنایی</p>	
<p>- شبکه‌ی خیابان‌ها و گذر محله که ساختار انتظام بخش به بافت پیرامون است به عنوان بستر حضور، تردد، تعاملات اجتماعی ساکنین.</p> <p>- تقویت گذر اصلی محله به عنوان فضایی که جریان‌های هنجاری و رفتاری محله را در خود جای می‌دهد.</p> <p>- تقویت نقاط مکث در طول گذر اصلی محله از طریق جانمایی کاربری‌های جاذب جمعیت.</p>	<p>- میدان‌های محلی به عنوان یک قرارگاه رفتاری جهت تعامل افراد با یکدیگر و فضایی برای ملاقات و صحبت‌های چهره به چهره</p> <p>- میدان محلی به عنوان عرصه‌ی عمومی واجد بار معنایی و احساس ناشی از حضور و تعامل انسان‌ها و تقویت تعاملات اجتماعی افراد</p> <p>- انجام مراسم و آیین‌های جمعی ساکنان محله در فضای میدان که در هماهنگی کامل با ویژگی‌های طبیعی و اقلیمی محله صورت می‌گیرد.</p>	<p>اجتماعی</p>	

روش پژوهش

راهبرد اصلی این پژوهش نمونه‌ی موردی است. در این پژوهش دو راهبرد دیگر یعنی *تفسیری-تاریخی* و *استدلال منطقی* مورد استفاده قرار گرفته است. در ارتباط با راهبرد تفسیری-تاریخی ابتدا بر اساس عکس‌های هوایی سال‌های گذشته محله‌ی حکم‌آباد استخوانبندی محله مورد بررسی قرار گرفت. سپس عناصر اصلی آن شامل میدان‌ها و گذرهای ارتباطی مابین آن‌ها شناسایی شدند؛ سپس با مطابقت وضع موجود میدان‌ها با وضع گذشته، تغییرات ریخت‌شناسانه هرکدام در گذر زمان در خصوص ساخت اصلی محله مورد بررسی قرار گرفت؛ در ارتباط با راهبرد استدلال منطقی ساختار تحقیق از سه جزء *لایتغیر تفکر منطقی*، یعنی *تجزیه (شناخت)*، تحلیل و ترکیب سود جسته است. سپس به تحلیل نقش میدان‌ها بر اساس وضعیت فعلی آن‌ها در ساختار محله‌ی حکم‌آباد پرداخته و در ادامه به تدوین الگوی بازآفرینی میدان‌ها و ارائه‌ی پیشنهادات در ارتباط با هرکدام از ابعاد (کالبدی-بصری، عملکردی، ادراکی-معنایی و اجتماعی) پرداخته شده است. تحلیل وضعیت موجود بر اساس تکنیک S.W.O.T صورت گرفت و بر اساس ابعاد کالبد-بصری، عملکردی، ادراکی-معنایی و اجتماعی صورت گرفت. برای بازآفرینی ساختار محور، گذر اصلی محله یعنی از میدان حاج حیدر تا میدان سبزی انتخاب شده است. که این مجموعه شامل ۴ میدان و ۳ گذر وصل‌کننده آن‌ها به هم خواهد بود که در ادامه‌ی کار تحت عنوان گذر ۱ (از محدوده‌ی میدان سبزی تا میدان غسالخانه)، گذر ۲ (از محدوده‌ی میدان غسالخانه تا میدان وسط) و گذر ۳ (از محدوده‌ی میدان وسط تا میدان ماشین) را تشکیل می‌دهد.

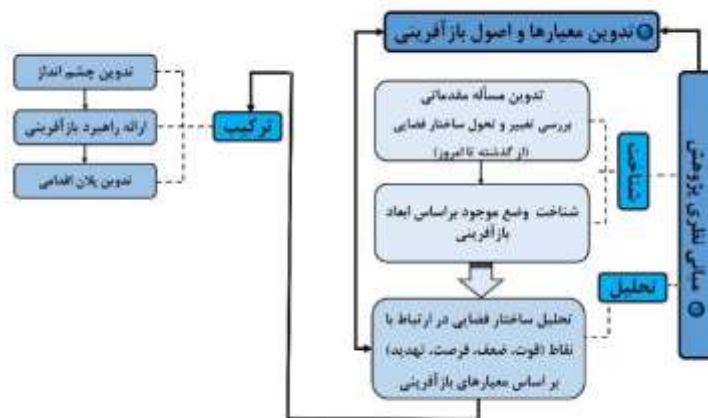


روش گردآوری داده‌ها به دو صورت کتابخانه‌ای و میدانی است؛ در روش کتابخانه‌ای ملاک عمل بیشتر نقشه‌ها و عکس‌های هوایی سال‌های (۱۳۳۵، ۱۳۴۶، ۱۳۵۴، ۱۳۶۴، ۱۳۷۵، ۱۳۹۸) می‌باشد؛ در روش میدانی برای بررسی آخرین وضعیت میدان‌ها علاوه بر تصاویر گوگل ارث، مشاهده‌ی مستقیم میدانی نیز مد نظر بوده‌است. فرایند انجام پژوهش از نمودار شکل ۱ تبعیت می‌کند.



شکل (۱). موقعیت میدان‌های حکم‌آباد در وضعیت گذشته (۱۳۳۶) و موجود (۱۳۹۸)

۱. میدان حاج حیدر (میدان ماشین)، ۲. میدان حمام (آرا میدان یا میدان وسط)، ۳. میدان غسالخانه، ۴. میدان سبزی (سوزی میدانی)

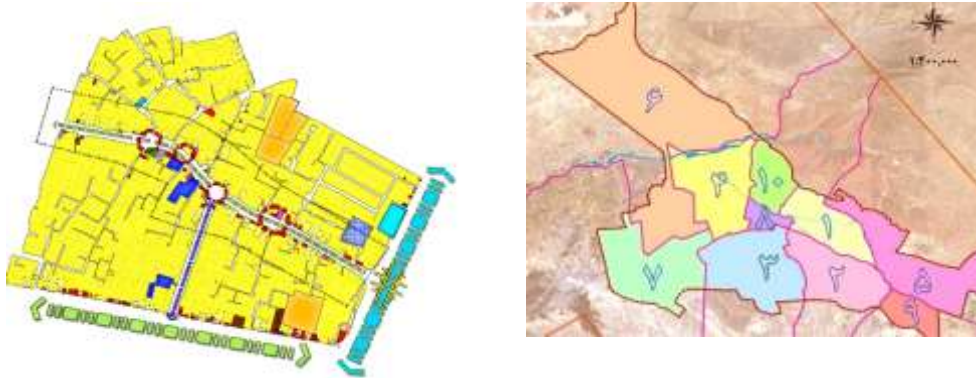


شکل (۲). نمودار فرایند پژوهش

بحث و یافته‌های پژوهش

معرفی محدوده

محدوده مورد مطالعه در پژوهش حاضر، میدان‌های محله‌ی حکم‌آباد می‌باشد. محله حکم‌آباد تبریز یکی از محلات قدیمی و سنتی تبریز است که در شمال غربی این شهر واقع شده است و در حوزه منطقه ۴ تبریز قرار گرفته‌است. این محله از سمت شمال به محلات عموزین الدین - گاو میشان (جامیساوان) و دیزج، از جنوب به شام‌غازان، از شرق به محلات ویجویه و چوستدوزان و از غرب به قراملک منتهی می‌شود.



شکل (۳). موقعیت شهری و ناحیه‌ای محدوده‌ی مورد مطالعه در منطقه

بررسی تغییر و تحولات ریخت‌شناسی ساختار محله‌ی حکم‌آباد تبریز

ساختار محله‌ی حکم‌آباد شامل چهار میدان می‌باشد که از سمت شمال اینگونه می‌توان نام برد:

۱- «میدان حاج حیدر»: این میدان در مسیر شرق و به طرف دروازه بزرگ حکم‌آباد قرار دارد؛ از سال ۱۳۴۵ شمسی که اولین ایستگاه اتوبوس رانی حکم‌آباد در این میدان بنا گردید به میدان ماشین تغییر نام یافت، که بعد از خیابان کشی محور شهید رنجبر کاملاً در مسیر خیابان قرار گرفته و از بین رفت. ۲- میدان حمام (آرا میدانی)، ۳- میدان غسالخانه «میدان چشمه» و ۴- میدان سبزی: اما اصلی‌ترین و قدیمی‌ترین این میدان‌ها که از دیرباز هم‌چون مرکز شهر عمل می‌کرد و اغلب تجمعات در این میدان‌ها صورت می‌گرفته «سوزی میدانی» یا «سبزی میدانی» است؛ وجود بزرگترین مسجد محله در جنب این میدان باعث رونق بیشتر این میدان شده است. ساختار و استخوان‌بندی اصلی محله حکم‌آباد در گذر زمان به دلیل ایجاد خیابان‌کشی‌های متعدد نسبت به این محل متلاشی شده است که عوامل موثر در خصوص این فروپاشی به شرح ذیل می‌باشند

۱- از یک طرف به دلیل تعریض خیابان بهار و رقابت این خیابان با ساختار اصلی محله حکم‌آباد ۲- ایجاد خیابان عریض آذربایجان و فروپاشی یکپارچگی محدوده به دو حوزه‌ی کلی. ۳- تعریض ساختار اصلی محله (خیابان شهید رنجبر فعلی) به سمت باغات محله و از بین رفتن مرکز محله و در ادامه تعریض قسمت بعدی خیابان از محدوده میدان سبزی به سمت باغات باعث ایجاد رفت و آمد اضافه به محدوده شده و تا حدودی حجاب محله را از بین برده است. ۴- تعریض خیابان شید بلندی و گسست کامل ساختار فضایی محله. جدول ۵ به صورت تاریخی تحولات اتفاق افتاده در ساختار اصلی محله‌ی حکم‌آباد را نشان می‌دهد.

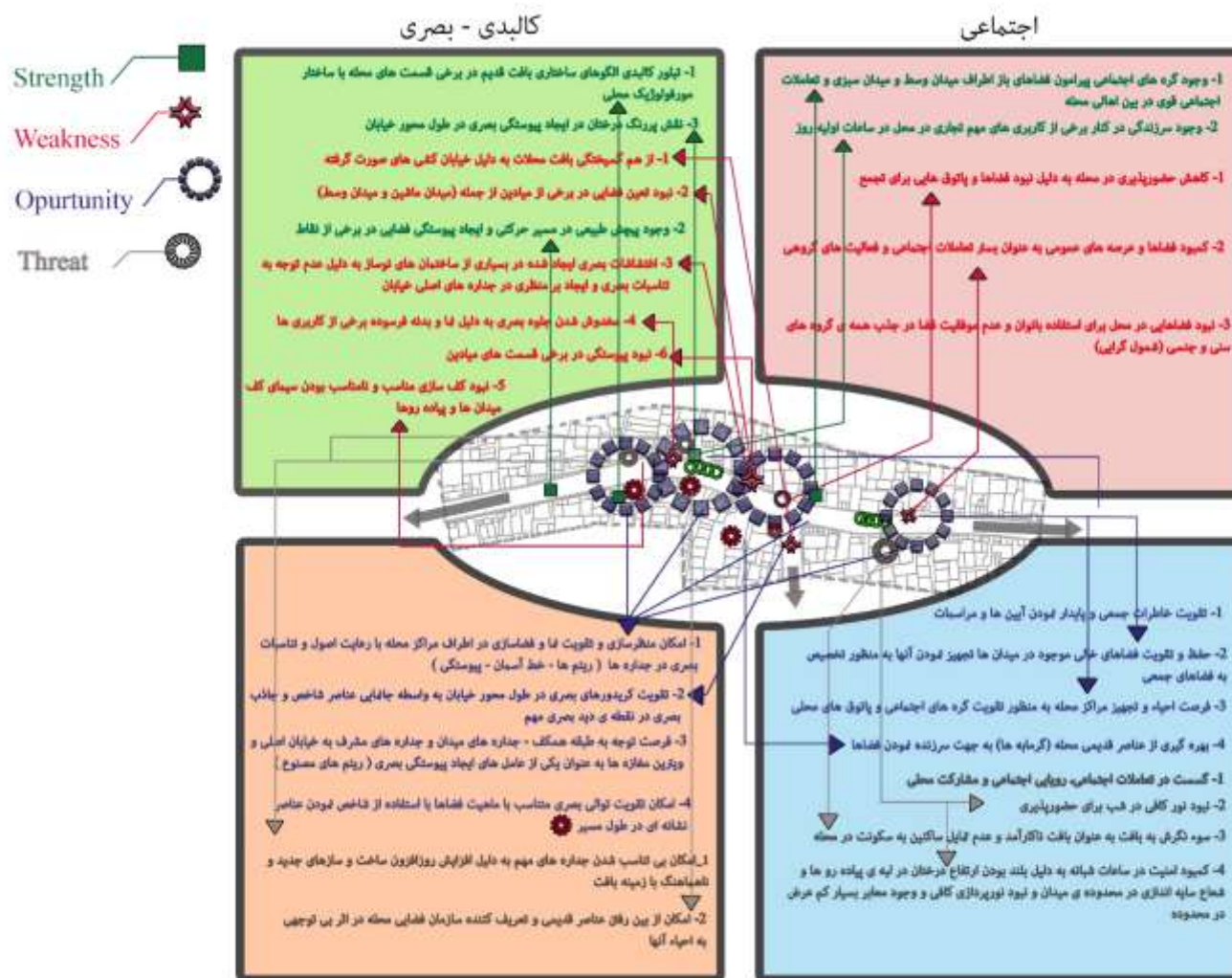


جدول (۵). بررسی تحولات ساختار کالبدی محله بین سال‌های (۱۳۳۵ - ۱۳۹۸).

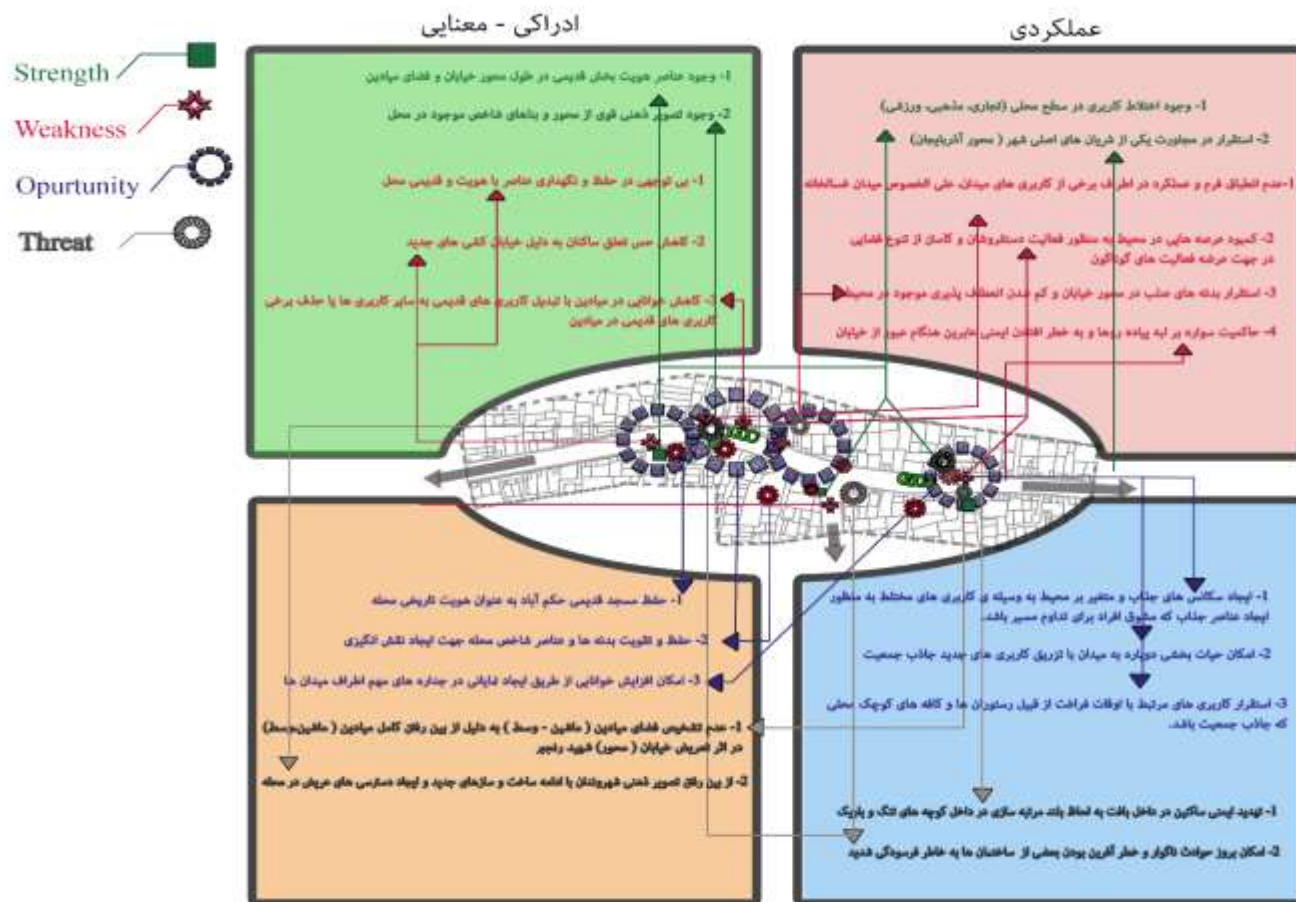
عکس‌های ماهواره‌ای			تغییرات زمانی
 <p>سال (۱۳۵۴)</p>	 <p>سال (۱۳۴۶)</p>	 <p>سال (۱۳۳۵)</p>	
<p>تعمیرات زمانی</p> <p>با مقایسه عکس‌های هوایی بین سال‌های (۱۳۳۵-۱۳۴۶) مشاهده می‌شود که خیابان‌کشی در محدوده رخ نداده و محله از ساختار فضایی بسیار منسجمی برخوردار بوده و سازمان فضایی محله شامل باغات، قبرستان، میدان‌ها، حمام‌ها و مساجد بود در کل یک ساختار خودکفایی را تشکیل می‌داد.</p>			<p>توضیحات</p> <p>تعمیرات زمانی</p> <p>تعمیرات زمانی</p>
 <p>سال (۱۳۷۵)</p>	 <p>سال (۱۳۶۴)</p>	 <p>سال (۱۳۵۴)</p>	
<p>تعمیرات زمانی</p> <p>بین سال‌های (۱۳۵۴-۱۳۶۴) تغییری رخ نداده، از دهه ۷۰ به بعد نقشه‌ی تعریض معابر مربوط به محدوده نشان می‌دهد که بلوار عریض آذربایجان احداث گردیده و ساختار محدوده را به دو حوزه کلی جدا کرده است و در مسیر خود باغ‌های موجود را از بین برده است.</p>			<p>توضیحات</p> <p>تعمیرات زمانی</p>

تغییرات زمانی	عکس‌های ماهواره‌ای		
توضیحات	 <p>سال (۱۳۷۵)</p>	 <p>سال (۱۳۸۲)</p>	 <p>سال (۱۳۹۲)</p>
تغییرات زمانی	 <p>وضع موجود (۱۳۹۸)</p>		<p>با مقایسه عکس‌های هوایی بین سالهای (۱۳۷۵-۱۳۸۲) مشاهده می‌شود که ابتدا تعریض محور شهید رنجبر تا سال (۱۳۷۶) تا محدوده میدان سبزی رخ داده و با این تعریض ساختار و سازمان فضایی محدوده از هم فروپاشیده و مراکز محله‌ی موجود در این محور در اثر خیابان‌کشی از بین رفته‌اند و در ادامه از سال (۱۳۷۶-۱۳۸۲) تعریض قسمت بعدی محور صورت گرفته و پس از آن تعریض خیابان شهید بلندی که محور شهید رنجبر را به خیابان بهار متصل می‌کند باعث اضمحلال بیشتر ساختار شده‌است.</p> <p>ادامه تعریض و مسیر گشایی در خیابان فیضیه و نظام پزشکی در ادامه مسیرگشایی‌ها بین سال‌های (۱۳۸۲-۱۳۹۲)</p>

با آگاهی از فرایند تغییرات در ساختار محله در وضعیت حاضر با ساختار از هم گسسته‌ای مواجه هستیم. وضعیت موجود در ارتباط با عناصر اصلی ساختار لازم است در ارتباط با ابعاد کالبدی، ادراکی- معنایی، اجتماعی و عملکردی مورد تحلیل و ارزیابی قرار گیرد. برای تحلیل از تکنیک سوات استفاده شده است. یافته‌های مرتبط با تکنیک سوات در شکل ۴ و ۵ آمده است.



شکل ۴. بررسی وضعیت موجود ابعاد (کالبدی - بصری، اجتماعی) در خصوص بازآفرینی در محدوده مورد مطالعه بر پایه مدل SWOT.



شکل (۵). بررسی وضعیت موجود ابعاد (ادراکی - معنایی، عملکردی) در ارتباط با بازآفرینی در محدوده‌ی مورد مطالعه بر پایه مدل SWOT.



جدول ۶. راهنمای طراحی شهری میدان‌ها و گذرها متناسب با ابعاد کالبدی- بصری در محله‌ی حکم آباد

ابعاد کالبدی_ فضایی	میدان‌ها و گذرها
<ul style="list-style-type: none"> - امکان اتصال فضایی در کف میدان از طریق ایجاد کف‌سازی پیوسته در قسمت‌هایی که انقطاع فضایی رخ داده است - مشخص کردن عرصه میدان (تعین فضایی) از طریق تقویت بدنه‌های نرم و جداره‌های پیوسته و تعریف هندسه رسمی تر برای میدان اصلی مجموعه - رعایت اصول ارتفاعی در جداره‌ها جهت محصور کردن فضای میدان 	<p>گذر ۱</p>
<ul style="list-style-type: none"> - احیای جداره‌های صلب و ساماندهی نماها و جداره‌های مسیر جهت ایجاد پیوستگی در نمای ساختمان‌ها - امکان بهره‌مندی از سبزی‌نگی موجود در محیط جهت ایجاد منظر مطلوب در اطراف میدان و ایجاد ریتم و توالی در طول خیابان - اصلاح نمای بدنه‌ها و ایجاد هماهنگی با جداره‌های اطراف - امکان سرپوشیده کردن فضای مابین دو میدان سبزی و غسالخانه جهت ایجاد تباين فضایی - ایجاد هماهنگی در نمای ساختمان‌های تازه‌ساخت با بناهای قدیمی و ایجاد وحدت کلی در جداره‌های میدان 	
<ul style="list-style-type: none"> - رعایت اصول ارتفاعی در اینه‌ها جهت ایجاد محصوریت فضایی - ایجاد پیوستگی فضایی در کف میدان و ادامه کف سازی در طول خیابان - نوسازی قسمت‌های مخروبه و بد منظر جداره‌های مشرف به میدان جهت ایجاد پیوستگی فضایی 	
<ul style="list-style-type: none"> - ایجاد بدنه‌های شفاف در جداره صلب گرمابه نظافت - اصلاح خط بام و پیوسته‌سازی جداره‌ها - ایجاد منظر مطلوب در اطراف میدان از طریق ایجاد جداره‌های هماهنگ و زیبا و ریتم تکرار شونده در آنها 	<p>گذر ۲</p>
<ul style="list-style-type: none"> - تقویت محصوریت فضایی در میدان از طریق حذف قطعات متروک در بدنه بلافصل میدان جهت تعریف هندسه‌ای به نسبت رسمی تر برای میدان 	
<ul style="list-style-type: none"> - تقویت جداره‌های قدیمی و بهره‌مندی از ریتم قرارگیری عناصر جهت افزایش منظر مطلوب در محل - استفاده از مصالح هماهنگ با یکدیگر در نمای بدنه‌های تازه‌ساخت و بناهای قدیمی جهت جلوگیری از اغتشاشات بصری 	<p>گذر ۳</p>
<ul style="list-style-type: none"> - امکان اتصال فضایی در ورودی میدان و ایجاد تباين فضایی لازم در اطراف میدان - ایجاد کف‌سازی پیوسته در کف میدان و مشخص کردن عرصه میدان از طریق حذف قسمتی از قطعه‌های جلویی جهت ایجاد گوشه‌های معین در میدان 	

جدول ۷: راهنمای طراحی شهری میدان‌ها و گذرها متناسب با ابعاد عملکردی در محله حکم آباد

ابعاد عملکردی	میدان‌ها و گذرها
<ul style="list-style-type: none"> - امکان ایجاد تنوع فضایی در اطراف میدان از طریق استقرار یا تخصیص کاربری‌های جذاب در جداره‌ها - امکان فراهم ساختن حاکمیت پیاده بر کل فضای میدان از طریق محدود ساختن سرعت حرکت عبوری خودروها، و اختصاص فضاهایی بیشتر میدان به حرکت پیاده‌ها - امکان استقرار کاربری‌های فعال در شب و تجهیز فضا جهت در نظر گرفتن کاربری‌های اوقات فراغت 	
<ul style="list-style-type: none"> - امکان احیای گرمابه نوعروس به عنوان پتانسیل فضایی موجود و ایجاد کاربری جذاب جمعیت برای آن - ایجاد تکنیک کاهش سرعت (سرعت ۳۰) به منظور آرامسازی فضای جلوی مسجد و اطراف آن - امکان ایجاد دسترسی‌های عبوری مناسب برای عبور خودروها به داخل کوچه‌ها و ایجاد دسترسی عبوری برای حرکت دوچرخه‌ها در میدان 	
<ul style="list-style-type: none"> - حذف کاربری‌های ناسازگار از فضای میدان‌ها و جایگزین ساختن آن با سایر کاربری‌های مورد نیاز ساکنین محله - امکان ایجاد بسترهای فضایی لازم برای فعالیت دستفروش‌ها در فضای میدان 	
<ul style="list-style-type: none"> - ایجاد پتانسیل فضایی برای تقویت فعالیت دستفروش‌ها و ساماندهی آنها - احیای جداره‌های صلب و فرسوده در اطراف میدان از طریق تزریق کاربری‌های ضروری به آنها 	
<ul style="list-style-type: none"> - امکان تقویت کاربری‌های متنوع و متناسب در جداره‌های بلا استفاده و ایجاد اختلاطی از کاربری‌های متنوع در فضای میدان 	
<ul style="list-style-type: none"> - امکان محدود ساختن سرعت حرکت عبوری خودروها و اختصاص فضای بیشتر میدان به حرکت پیاده‌ها - امکان حذف کاربری‌های ناسازگار و تزریق کاربری‌های مناسب به جای آنها 	
<ul style="list-style-type: none"> - امکان ایجاد کاربری‌های اوقات فراغت و یا تجاری مورد نیاز افراد محل در جداره‌های فعال میدان 	

جدول ۸: راهنمای طراحی شهری میدان‌ها و گذرها متناسب با ابعاد ادراکی_ معنایی در محله حکم آباد

میدان‌ها و گذرها	ابعاد ادراکی_ معنایی
<p>میدان سبزی</p> <p>گذر ۱</p>	<p>- احیای نشانه‌های ذهنی و جمعی در میدان به جهت ارتقاء تصویر ذهنی ساکنان</p> <p>- بالا بردن پتانسیل نقش‌انگیزی در فضای میدان از طریق کاربری‌های قدیمی نظیر (گرمابه نوعروس) و ایجاد نقش‌انگیزی در کالبد و زمینه</p>
<p>میدان غسلخانه</p> <p>گذر ۲</p>	<p>- تقویت نورپردازی در طول مسیر و فضای میدان‌ها جهت افزایش خوانایی و ایجاد نمایانی و وضوح بیشتر در عناصر شاخص و قدیمی</p> <p>- شاخص کردن عناصر قدیمی و ایجاد نمایانی در جداره‌ها جهت نقش‌انگیزی در محیط</p> <p>- حفظ و تقویت نقاط ارزشمند و باهویت میدان به عنوان نشانه‌های شاخص محله</p> <p>- تقویت نقاط خاطره‌انگیز در محل نظیر کافه‌های قدیمی</p> <p>- شاخص کردن عنصر هویت‌بخش و قدیمی محله (مسجد بزرگ حکم‌آباد) و ایجاد نمایانی در بدنه‌ها جهت وضوح بیشتر</p> <p>- احیای بدنه‌های صلب جهت افزایش کیفیت خوانایی در محیط</p> <p>- تقویت حس تعلق ساکنین به فضا از طریق مجهز ساختن فضاهای اطراف میدان‌ها به پاتوق‌های محلی</p>
<p>میدان وسط</p> <p>گذر ۳</p>	<p>- امکان ایجاد توالی در قرارگیری نشانه‌ها جهت خواناتر کردن محیط</p> <p>- امکان تقویت خاطرات جمعی بین ساکنین از طریق احیای فضاها و مکان‌هایی که به عنوان نشانه‌های ذهنی و جمعی ساکنین نقش بسته است</p>
<p>میدان ماشین</p>	<p>- امکان تجهیز فضا به المان‌هایی که ورود به میدان را مشخص کند و خوانایی محیطی را افزایش دهد</p> <p>- شاخص کردن جداره‌های ورودی میدان و ایجاد نمایانی در آنها جهت تقویت نقش‌انگیزی در میدان</p> <p>- شاخص کردن عناصر هویت‌بخش و قدیمی محله (مسجد حاج محمد علی و گرمابه نظافت) و ایجاد نمایانی در بدنه‌ها جهت وضوح و خوانایی بیشتر</p> <p>- امکان استقرار المان‌هایی به صورت دکه که تداعی‌کننده معانی خاص قدیمی از فضای میدان باشد</p> <p>- امکان مشخص کردن عرصه میدان از طریق عقب کشی قسمتی از قطعه‌های جلویی مشرف به میدان به جهت افزایش درک ذهنی افراد</p>

جدول ۹: راهنمای طراحی شهری میدان‌ها و گذرها متناسب با ابعاد اجتماعی در محله حکم آباد

ابعاد اجتماعی	میدان‌ها و گذرها
<ul style="list-style-type: none"> - امکان ایجاد تعددی از رویدادهای متنوع جهت درگیر نمودن استفاده‌کنندگان در فضا - تجهیز فضا به مکان‌های دنج و راحت جهت تقویت قرارگاه‌های رفتاری - مناسب سازی فضای میدان به عنوان پاتوق و گره فعال محلی - تقویت نقاط مکث از طریق ایجاد فعالیت‌های جذاب 	<p>میدان سبزی</p> <p>گذر ۱</p>
<ul style="list-style-type: none"> - امکان ایجاد تعددی از رویدادهای متنوع جهت درگیر نمودن استفاده‌کنندگان در فضا - تجهیز فضا به مکان‌های دنج و راحت جهت تقویت قرارگاه‌های رفتاری - مناسب سازی فضای میدان به عنوان پاتوق و گره فعال محلی - تقویت نقاط مکث از طریق ایجاد فعالیت‌های جذاب 	<p>فضای اجتماع</p> <p>گذر ۲</p>
<ul style="list-style-type: none"> - ایجاد بسترهای فضایی و در نظر گرفتن مبلمان متناسب برای حضور بیشتر افراد در فضای میدان 	<p>میدان وسط</p> <p>گذر ۳</p>
<ul style="list-style-type: none"> - ایجاد امکان برای استقرار کاربری‌های مرتبط با اوقات فراغت برای گروه‌های سنی مختلف (شمول گرایی) - امکان بهره‌مندی از کافی‌های موجود در میدان وسط جهت تقویت پاتوق‌ها و قرارگاه‌های رفتاری - ایجاد بسترهای فضایی برای حضور افراد مختلف از طریق تقویت لبه‌ی کناری مسجد و مغازه‌های اطراف آن - امکان ایجاد جداره‌های شفاف در بدنه‌ها و افزایش چشم‌ناظر 	
<ul style="list-style-type: none"> - امکان تخصیص فضاهایی به مکان‌های دنج و راحت جهت تقویت نقاط تجمع و گره‌های اجتماعی - تقویت حضورپذیری در اطراف میدان از طریق تخصیص برخی از فضاها به کاربری‌های ضروری 	<p>میدان ماشین</p>



نتیجه گیری

مراکز محله و گذر اصلی آن در کنار ورودی و بافت مسکونی به عنوان شالوده‌ی وجودی ساخت اصلی محلات، نقش اصلی و پر اهمیتی را در سازمان فضایی-اجتماعی محله ایفا می‌کنند. مکان‌هایی که مردم در آنها به سکونت، معاشرت و تعامل از یک طرف و داد و ستد تجاری از طرف دیگر پرداخته و حضور فعال و پرشور افراد در این فضاها رقم می‌خورد. در میان عناصر اصلی ساخت محله مراکز و گذر اصلی محله به عنوان کانون‌های تجمع محله تاثیر خود را بر سرزندگی و پویایی محله و حیات شهروندان داشته‌اند. نیاز به این مراکز به عنوان بخشی از هویت ساختاری محله می‌تواند باعث انسجام و سرزندگی فضای محله شده و پویایی فضای محله را تضمین کند. این پژوهش با هدف بازآفرینی ساختار فضایی محله حکم‌آباد تلاش کرد تا با ارائه‌ی الگوی بازآفرینی، راهکارهای عملی را در این مورد ارائه دهد. امروزه بازآفرینی به عنوان یکی از راهبردهای احیاء فضاهای شهری صورت می‌گیرد؛ با توجه به اینکه در اکثر محلات سنتی ما شاهد ساختار فروپاشیده به دلیل اقدامات مدرنیستی هستیم بنابراین در این پژوهش بیشتر بازآفرینی ساخت اصلی محله مورد بررسی قرار گرفت. ساخت اصلی محله به عنوان استخوانبندی اصلی نگهدارنده‌ی بافت می‌تواند پویای خود را به عناصر ریزتر در درون خود منتقل کند. با اصلاح و بازآفرینی استخوانبندی اصلی می‌توان به احیاء مجدد زندگی در فضاهای عمومی مقیاس محله امیدوار بود. فضاهای عمومی محله که برای عرصه‌های خصوصی اولین تجربه از حس همگانی فضاهای شهری است می‌تواند آمادگی لازم برای ساکنان در مواجهه با سایر فضاهای عمومی بزرگتر را فراهم کند. از طرف دیگر امروزه تفکر بر روی صرفاً یک بعد از بازآفرینی نمی‌تواند به موفقیت در فضاهای شهری منجر شود، به طوریکه همواره ساختاری منسجم، پیوسته و مطلوب از تمام ابعاد کالبدی، عملکردی، ادراکی- معنایی و اجتماعی از محیط است که در کنار سطح کیفی ارتباط فرد با محیط و با سایر افراد می‌تواند به ایجاد فضاهای شهری موفق در مقیاس محله کارساز باشد. در این راستا به کارگیری اصول بازآفرینی شهری برای احیاء و باززنده‌سازی مراکز محله و گذر اصلی آن در راستای تحقق ویژگی‌های ساختار و با تأکید بر ۴ مؤلفه‌ی کالبدی- بصری، عملکردی، ادراکی- معنایی و اجتماعی و با ادغام نمودن و همسو ساختن آنها می‌توان به ارتقای همه‌جانبه‌ی کیفیت‌های ادراکی محیط کمک کرد و به انسجام بیشتر ساختار محله دست یافت؛ چنین انسجام ساختاری نه تنها در کالبد به انسجام ساختار اجتماعی کمک می‌نماید بلکه به ایجاد حس تعلق و نیز به میزان تمایل بیشتر سکونت در محله منجر می‌شود.

محله‌ی حکم‌آباد با قدمت زیاد سکونت و نیز جایگاه اقتصادی و معیشتی که در گذشته در تبریز داشته به مانند سایر محلات سنتی تبریز که ساختارشان تحت تاثیر توسعه‌های بدون برنامه و البته بیشتر متاثر از حرکت خودرو قرار گرفته‌اند در حال حاضر به عنوان یکی از محلات با بافت فرسوده‌ی شهری شناخته می‌شود. وضعیت حاضر محله موجب ایجاد تصویر ذهنی نامناسب از این محله برای سکونت حکایت دارد که در کنار وضعیت کالبدی فرسوده‌ی آن بیشتر به چرخه‌ی مساله‌زایی در آینده منجر می‌شود. بنابراین احیاء استخوانبندی اصلی محله به عنوان فضای عمومی مشترک بین تمام اهالی محله و نیز فضایی که خاطره‌ی مشترک در میان تمام اقشار ساکن در آن دارد، می‌تواند به عنوان اولین گام از مرحله‌ی مداخله در بافت چنین محلاتی باشد تا با ارتقاء کیفیت و به دنبال آن تمایل به سکونت بیشتر و دائمی‌تر، از این طریق به تری زندگی در لایه‌های درونی‌تر از فضاهای نیمه عمومی و خصوصی محله نایل آمد.

منابع

- ابراهیمی. المیرا. احمدی باروق. سولماز. (۱۳۹۴). بازآفرینی مرکز محلات تاریخی با رویکرد احیای بافت. همایش بین‌المللی ایده‌های نو در معماری و شهرسازی. دوره ۱.
- استاد غفاری. صدف. (۱۳۹۵). بازآفرینی شهری خوانایی محور رویکردی به تجدید حیات شکلی و محتوایی ساخت اصلی، مطالعات شهری، دوره ۲۹ (شماره ۱۷). ۴۰-۲۹.
- ایزدی. محمد سعید. فیضی. رضا. (۱۳۸۹). بازآفرینی شهری کنش و بینش جامع و یکپارچه در ساماندهی محدوده‌های هدف برنامه‌های بهسازی و نوسازی شهری. هفت شهر، دوره ۳ (شماره ۳۳-۳۴). ۷۸-۸۰.
- بحرینی. سید حسین. ایزدی. محمد سعید، مفیدی. مهرانوش. (۱۳۹۳). رویکردها و سیاست‌های نوسازی شهری (از بازسازی تا بازآفرینی شهری پایدار). مطالعات شهری، دوره ۱۷ (شماره ۹). ۱۷-۳۰.
- بنتلی. ای. ین. ال‌کک. آن. مورین. پال. گلین. سو. مک. اسمیت. گراهام. (۱۳۸۸). *محیط‌های پاسخده*. ترجمه مصطفی بهزادفر. انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران
- بیات. اشکان. (۱۳۹۱). *بازآفرینی شهری محلات قدیمی با تاکید بر شرایط اقتصادی- اجتماعی «محله عودلاجان تهران»*. دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز
- پاکزاد. جهان‌شاه. (۱۳۹۰). *سیر اندیشه‌ها در شهرسازی از کمیت تا کیفیت*. انتشارات دانشگاه تهران.
- پور احمد. احمد، حبیبی. کیومرث. کشاورز. مهناز. (۱۳۸۹). سیر تحول مفهوم‌شناسی بازآفرینی شهری رویکردی نو در بافت‌های فرسوده شهری. مطالعات شهر ایرانی اسلامی. دوره ۱۵ (شماره ۱). ۷۳-۹۲.
- توسلی. محمود. (۱۳۷۲). *طراحی فضای شهری: فضای شهری و جایگاه آنها در زندگی و سیمای شهر*. انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.
- تیبالدز. فرانسیس. (۱۳۸۵). *شهرسازی نئروندگرا*. ترجمه محمد احمدی نژاد. انتشارات خاک
- جیکوبز. جین. (۱۳۸۶). *مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی*. ترجمه حمیدرضا پارسی. آرزو افلاطونی. انتشارات دانشگاه تهران.
- حبیبی. سید محسن. مقصودی. ملیحه. (۱۳۹۰). *مرمت شهری*. انتشارات دانشگاه تهران.
- حبیبی. سید محسن. حمیدی. ملیحه. سلیمی. جواد. صبری. سیروس. (۱۳۷۶). *استخوان‌بندی شهر*. تهران جلد سوم. انتشارات سازمان مشاور فنی مهندسی شهر تهران.
- حناچی. پیروز. خادم زاده. محمد محسن. شایان. حمیدرضا. کامل‌نیا. حامد. مهدوی نژاد. جواد. (۱۳۸۶). *بررسی تطبیقی تجارب مرمت شهری در ایران و جهان با نگاه ویژه به بافت تاریخی شهر یزد*. انتشارات سبحان
- دفتر مقررات ملی و کنترل ساختمان. (۱۳۹۷). *بازآفرینی شهری پایدار*. تهران. نشر توسعه
- ذکاوت. کامران. (۱۳۹۰). *جایگاه سازمان فضایی در طراحی شهری*. صفه، دوره ۲۱ (شماره ۳). ۱۰۷-۱۲۲.
- سروی. سمیرا. عبدالله زاده طرف. اکبر. (۱۳۹۷). *بازآفرینی ساختار فضایی محلات سنتی با رویکرد احیای استخوان‌بندی بافت قدیمی «محله حکم‌آباد تبریز»*. دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز
- شیعه. اسماعیل. (۱۳۹۵). *مقدمه‌ای بر مبانی برنامه‌ریزی شهری*. انتشارات دانشگاه علم و صنعت
- عبداللهی. مجید. صرافی. مظفر. توکلی‌نیا. جمیله. (۱۳۸۹). *بررسی نظری مفهوم محله و بازتعریف آن با تاکید بر شرایط محله‌های شهری ایران. پژوهش‌های جغرافیای انسانی*. دوره ۴۲ (شماره ۷۲). ۸۲-۱۰۳.

- عندلیب. علیرضا. (۱۳۸۹). *اصول نوسازی شهری رویکردی نو به بافت‌های فرسوده*. انتشارات آذرخش.
 - فلامکی. محمد منصور. (۱۳۷۵). مرمت شهری در ایران - مسئولیت‌ها، معیارها و مقیاس‌ها. معماری و شهرسازی، شماره (۳۳-۳۴). ۹-۱۳.
 - قربانیان. مهشید. (۱۳۸۹). بازسازی بخش مرکزی شهرها؛ الگوی مداخله و دستورالعمل‌های مرمتی در خرده حوزه‌های درک‌پذیر. نشریه معماری و شهرسازی ایران. دوره ۱ (شماره ۱). ۷۸-۸۸.
 - کرمونا. متیو. تیم هیث. تتراک. (۱۳۸۸). *مکان‌های عمومی، فضاهای شهری ابعاد گوناگون طراحی شهری*. فریبا قرایی. مهشید شکوهی. اسماعیل صالحی. زهرا اهری. تهران: انتشارات دانشگاه هنر
 - الکساندر. کریستوفر. نیس. هاجو. آنیو. آرتمیس. کینگ. اینگرید (۱۳۷۳). *تئوری جدید طراحی شهری*. ترجمه شرکت تاش، تهران، انتشارات توسعه.
 - لطفی. سهند. (۱۳۹۰). *بازآفرینی شهری فرهنگ مبنا: تاملی بر بن مایه‌های فرهنگی و کنش بازآفرینی*. هنرهای زیبا، معماری و شهرسازی. دوره ۳ (شماره ۴۵). ۴۹-۶۲.
 - لطفی. غلامرضا. صفری چابک. ندا. (۱۳۹۲). *بازآفرینی مفهوم محله در شهرهای ایرانی - اسلامی بر پایه اصول نوشهرگرایی*. مطالعات شهری، دوره ۲ (شماره ۸). ۱۲-۳.
 - لنگ. جان. (۱۳۸۳). *آفرینش نظریه معماری*. ترجمه علیرضا عینی‌فر. انتشارات دانشگاه تهران.
 - لینچ. کوین. (۱۳۸۵). *سیمای شهر*. ترجمه منوچهر مزینی. انتشارات دانشگاه تهران.
 - مضطرزاده. حامد. حجتی. وحیده. (۱۳۹۲). *تبیین مفهوم محله و عناصر شکل‌دهنده آن در بافت محلات سنتی*. ماه هنر، شماره ۱۸۲. ۷۲-۸۱.
-
- Atkinson. R. Kintera. K. (2001). "Disentangling area effects: Evidence from Deprived and non Deprived neighbourhood". *Jurnal of urban studies*. Vol 38. No12.
 - Barton. H, & et al. (2003). *shaping neighbourhoods: A guide for health. sustainability and vitality*, London. Spon press.
 - Ciftci. C. Alkan. Meshur. H.F. Yenice. M.S. Yavuz. F. and Levend, S. (2010). "Urban regeneration strategies in historical city center of Beysehir- konya". Turkey, Istanbul: 14th IPHS conference.
 - Jefferson city council. (2011). "Report of the second ad hoc committee on revitalization of old town. Missouri"
 - Kearns. A. & Parkinson. M, (2001). "The significance of neighbourhood". *jurnal of urban studies*. Vol38. NO12. Pp. 2103-2110
 - Keller. S. (1986). *The neighbourhood, A sociological perspective*. Newyork. Random house
 - Lebel. A. Pampalon. R. villeneuve. P.Y. (2007). "A multi perspective approach for defining neighborhood unit in the context of study on health inequalities in the Qubec city region". *International journal of health Geography*. Vol6. No12. pp. 1-15
 - Montgomery. J. (2003). "Cultural quarters as mechanisms for urban regeneration. Part 1: conceptualizing cultural quarters". *Planing. Practice and Research*, NO,4
 - Neto.P.& Serrano. M. (2011). "Governance and creativity on urban regeneration processes". CEFAGW-UE working paper, Evora: university of Evora.
 - Soltani. A. (2012). "Recognition of sustainable approaches in urban structure of historical cities in Iran" *Real crop*. pp. 1337-1340.

- Un-Habitat (2004/2005). The state of words. cities: globalization and urban culture. London.
- Williams. Michael. (1985). Neighborhood organization: seeds of a new urban life. we sport. Greenwood press.